

آسیب‌شناسی تأثیر شبکه اجتماعی تلگرام بر روابط خانوادگی زوجین (شهر تهران سال ۱۳۹۵)

زهرا پیرجلیلی^۱، سید محمد صادق مهدوی^۲، مصطفی ازکیا^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۰

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر عضویت در شبکه اجتماعی تلگرام و استفاده از آن بر روابط خانوادگی زوجین انجام شده است. روش مورد استفاده در این پژوهش نظریه بنیانی (گردند تئوری) است. برای انجام این پژوهش از ۲۵ زوج در محدوده سنی ۳۵ تا ۵۰ سال، ساکن شهر تهران استفاده شده است، سوژه‌های مورد مطالعه حدود دو سال سابقه عضویت و استفاده در شبکه اجتماعی تلگرام را داشته‌اند و به جهت حضور در این فضا دچار مشکلات شدید در روابط فیما بین خانوادگی شده‌اند. بر اساس یافته‌های پژوهش و نظریه‌ی حاصل از اجرای روش نظریه بنیانی، استنباط نظری ناظر بر این بود که عضویت و استفاده زوجین از شبکه اجتماعی تلگرام بدون آگاهی از سواد رسانه‌ای، منجر به تنش در روابط خانوادگی آنان خواهد شد.

واژگان کلیدی: فضای مجازی، شبکه اجتماعی، تلگرام، تنش در روابط خانوادگی و نظریه بنیانی

۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران، پست الکترونیکی: pirjaliliz@yahoo.com

۲ استاد تمام گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران، (نویسنده مسئول): پست الکترونیکی: sms_mahdavi@yahoo.de

۳ استاد تمام گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران، پست الکترونیکی: Mostafa_azkia@yahoo.com

مقدمه

عصر حاضر عصر مطبوعات، رسانه‌های گروهی و ارتباطات است. دنیای کنونی ما عصر تاخت و تاز و وسایل ارتباط جمعی از جمله رادیو، تلویزیون، ماهواره و اینترنت می‌باشد. زنان و مردان امروز دیگر محدودیتهای گذشته را ندارند و هر لحظه در هر مکانی می‌توانند با هر نقطه‌ای از جهان که تمایل داشته باشند، ارتباط برقرار کنند. ورود به دنیای مجازی و یا به عبارت بهتر زندگی در محیط‌های مجازی امری بدیهی به شمار می‌رود. لازمه تعادل در این محیطها برخورداری از یکسری مهارت‌های فنی و فناوری است. از مهمترین ویژگیهای اینترنت و فضای مجازی ایجاد پیوندهای مناسب بین افراد در اقصی نقاط می‌باشد. با نزدیک کردن ملت‌ها به همراه تقویت تعامل و روابط انسانی صحیح میان آنها آرزوی دیرین بشر برای ایجاد آرمان شهری جهانی و یا به عبارتی دیگر جهانی شدن میسر خواهد شد. واقعیت این است که گسترش شبکه جهانی اینترنت فاصله‌ها را کم کرده و به ایجاد نوعی تشابه در میان افراد ملل مختلف انجامیده است. جهان‌گستری جامعه اطلاعاتی که در قالب اینترنت و به تبع آن فضای مجازی تبلور یافته است راه را برای کسانی که اقلیت نامیده می‌شوند و تلاش برای شنیده شدن صدایشان داشته‌اند، هموار ساخته است. شبکه اینترنت همانند محل ملاقات عمومی شهروندان جهان است. یک نقطه تلاقی عمومی که در آن میلیون‌ها نفر از بیش از صد و پنجاه و پنج کشور جهان با هم ارتباط دارند و سازمان عظیمی است که نظم آن از پیش تا حدود زیادی تنظیم شده است. قاعده کلی حاکم بر اینترنت استفاده از اطلاعات به گونه‌ای آزاد است. رسانه‌های جمعی مانند روزنامه، تلویزیون، ماهواره و ... با ورود خود به عرصه جامعه در هر مقطع زمانی که ورود کرده‌اند، تأثیر خود را بر ساخت جوامع به خصوص غیر صنعتی و جوامعی که مصرف‌کننده این ابزار بوده‌اند، بر جا گذاشته و روابط اجتماعی بین افراد را دچار تحول و دگرگونی کرده‌اند؛ تحولات و دگرگونی‌های که گاه آثار سازنده و گاه مخرب داشته‌اند. رسانه‌ها با تسخیر همه‌جانبه ابعاد زندگی انسانها در سطح جهانی، زمان و مکان را درنوردیده‌اند. از دیدگاه کارکردگرایان می‌توان برای ورود رسانه‌ها به جوامع دو نوع کارکرد قائل شد: کارکرد مثبت آن این است که موجب گسترش غیرقابل پیش‌بینی آموزش علوم و انتقال فرهنگ و تسریع در ارتباطات و ... می‌شود اما کارکرد منفی این است که موجب کمتر شدن روابط اجتماعی و خانوادگی افراد از نظر عاطفی و کاهش ارتباط تعاملی بین اعضای خانواده شده و با کم‌رنگ شدن روابط تعاملی و عاطفی میان اعضای خانواده به ویژه همسران منجر به تأثیرگذاری بر روابط خانوادگی زوجین خواهد شد.

محسن یاسمی (۱۳۹۴: ۱۱) در "بررسی رابطه استفاده از اینترنت با ارزش‌های نهاد خانواده" دریافت که فضای مجازی مفهومی است که با اینترنت ارتباط دارد اما با آن یکی نیست. فضای مجازی اینترنت را می‌توان به سرزمینی مجازی دارای زندگی مجازی و جوامع مجازی تشبیه کرد. پژوهشگر در این تحقیق به مطالعه آراء صاحب‌نظران و مکاتب جامعه‌شناسی پرداخته است.

علی اکبر شاملی (۱۳۹۴: ۸) در تحقیقی با عنوان "بررسی اخلاقی آسیب‌های فضای مجازی و راهکارهای برون‌رفت" دریافت که با پیشرفت تکنولوژی و گسترش فضای مجازی، آسیب‌های جدیدی

دامنگیر کاربران اینترنت گشته است. این آسیب‌ها به شدت بر روی زندگی فردی و اجتماعی افراد تاثیر گذاشته است.

منظر بلنگرد (۱۳۹۳: ۱۴) در پژوهشی با عنوان "بررسی عوامل اجتماعی-فرهنگی موثر بر گرایش طلاق عاطفی" به بررسی و کنکاش پیرامون عوامل موثر بر طلاق عاطفی در دو بعد اجتماعی و فرهنگی پرداخته است.

سعید شعبانی (۱۳۹۳: ۱۲) در پژوهشی با عنوان "بررسی میزان طلاق عاطفی و عوامل جامعه شناختی مرتبط با آن" دریافت که طلاق عاطفی نماد وجود مشکل در ارتباط سالم و صحیح بین زن و شوهر است. این مشکل ارتباطی حتی این قابلیت را دارد که به روابط فراتر از روابط زوجین نیز گسترش یابد. در این پژوهش موضوع طلاق عاطفی طبق دیدگاه‌های کارکردگرایی پارسونز، مرتن، نظریه نظام و نظریه مبادله بررسی شده است.

ندا جواهرچیان (۱۳۹۳: ۳۳) در پژوهشی با عنوان "بررسی عوامل جامعه شناختی موثر در طلاق عاطفی در میان زوجین جوان" به بررسی عواملی چون ساختار قدرت و سرمایه اجتماعی پرداخته است. مارتی جنسیوس^۱ (۲۰۱۵: ۳۵) در پژوهشی با عنوان "مشاوره خانواده در فضای مجازی" دریافت که چگونه اینترنت به فضایی تبدیل می‌شود که می‌تواند به خانواده‌ها مشاوره داده و رهنمودهای اخلاقی زندگی مشترک را برای آنان بازتعریف کند.

بی جرک جیمز^۲ (۲۰۱۵: ۲۶) در پژوهشی با عنوان "حضور خانواده در فضای مجازی" دریافت که چگونه خانواده‌ها در دنیای مجازی خود را درک کرده و تعامل می‌کنند و همچنین چگونه هویت‌ها و شبکه‌های جدید ساختار سنتی خانواده را درهم می‌شکنند.

کاترین هرتلین^۳ (۲۰۱۴: ۷۴) استاد دانشگاه نوادا در پژوهشی با عنوان «تأثیر تکنولوژی بر روابط بین زوجین و خانواده» دریافت که تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی، به طور فعالانه یا منفعلانه پیوندی میان زنان خانه‌دار و افرادی که خارج از خانه هستند، برقرار می‌کند و آنها این ارتباط را به اشکال مختلف و پیچیده‌ای ادامه می‌دهند. به نظر وی اولین و مشخص‌ترین ویژگی تکنولوژی این است که ساختار و فرایند ارتباط را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ویلیام داتون^۴ و الن هلسپر^۵ (۲۰۱۴: ۳۵) از اساتید دانشگاه آکسفورد، در پژوهشی با عنوان «نقش اینترنت در پیکربندی دوباره ازدواج» در یافتند که اینترنت نقش مهمی در معرفی زوجین به یکدیگر داشته است. الیسون^۱ و همکارانش (۲۰۱۱: ۶۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی اثرات تعارض و طلاق والدین بر زندگی مذهبی و معنوی جوانان بزرگسال» دریافتند والدینی که زندگی مشترک سالم، شاد و کمترین تعارض را دارند، نمرات بیشتری از نظر مذهبی و معنوی می‌آورند.

1 Gensius

2 James

3 Hertlein

4 William Dutton

5 Helsper

میکرز^۲ و همکارانش (۲۰۱۰: ۱۴) در پژوهشی با عنوان «آیا اثرات روانی طلاق بواسطه پیش‌زمینه خانوادگی تعدیل می‌شوند یا نه؟» دریافتند که خانواده ناسازگار می‌تواند اثرات اضطراب آور طلاق را افزایش دهد.

با توجه به عدم حضور پژوهش عمیق و دقیق درباره تأثیر اینترنت و فضای مجازی (شبکه اجتماعی تلگرام) بر رابطه بین زوجین، احساس نیاز مبرم به این پژوهش با توجه به مسائل روز در حوزه خانواده می‌شود. بنابراین، پژوهش پیش‌رو تا حد امکان به عمق آسیب‌های ناشی از حضور زنان و مردان متأهل در فضای مجازی خواهد پرداخت که از عمده‌ترین آنها ظهور و بروز آسیب‌هایی در روابط همسران است.

بنابراین هدف از پژوهش حاضر پاسخگویی به سوالات زیر می‌باشد:

- ۱- علل حضور زوجین و استفاده آن‌ها از فضای مجازی (شبکه اجتماعی تلگرام) چیست؟
- ۲- آیا استفاده از فضای مجازی (شبکه اجتماعی تلگرام) توسط زوجین بر روابط خانوادگی آنان تأثیرگذار است؟
- ۳- استفاده از فضای مجازی (شبکه اجتماعی تلگرام) توسط زوجین بر روابط خانوادگی آنان تأثیر مثبت دارد یا منفی؟
- ۴- آیا استفاده از فضای مجازی (شبکه اجتماعی تلگرام) موجب تزلزل خانواده و به هم‌ریختگی آن می‌شود؟
- ۵- چه عواملی منجر به آسیب‌های خانوادگی در میان زوجینی که از فضای مجازی (شبکه اجتماعی تلگرام) استفاده می‌کنند، می‌شود؟

ابزار و روش

استراوس و کوربین رهیافت نظریه بنیانی را چنین تعریف می‌کنند: «یک روش تحقیق کیفی که مجموعه منظمی از رویه‌ها^۳ را برای توسعه یک نظریه بنیادین برخاسته از استقراء در مورد یک پدیده به کار می‌گیرد (ازکیا و ایمانی، ۱۳۹۰: ۲۴). نظریه زمینه‌ای یا بازکاوی تلاشی برای استخراج نظریه‌ها از تحلیلی از الگوها، مضامین و مقوله‌های عامی است که در داده‌های مشاهده‌ای کشف می‌شوند. این روش نخستین بار در کتاب گلاسر و اشترواس، به نام نظریه بازکاوی (۱۹۶۷) معرفی شد (بیبی^۴، ۱۳۹۲: ۶۶۶). در این پژوهشگر کار را با نظریه‌ای که از قبل در ذهن دارد شروع نمی‌کند؛ بلکه کار را در عرصه واقعیت آغاز می‌کند و می‌گذارد تا نظریه از درون داده‌هایی که گرد می‌آورد، پدیدار می‌شود (استراوس^۵ و کربین^۶، ۱۳۹۴: ۳۴). نظریه بنیانی هم به روش یا فرایند تولید نظریه اطلاق می‌شود و هم به محصول یا نظریه‌ای که از

1 Elison
2 Makers
3 Procedures
4 Babbi
5 Strauss
6 Corbin

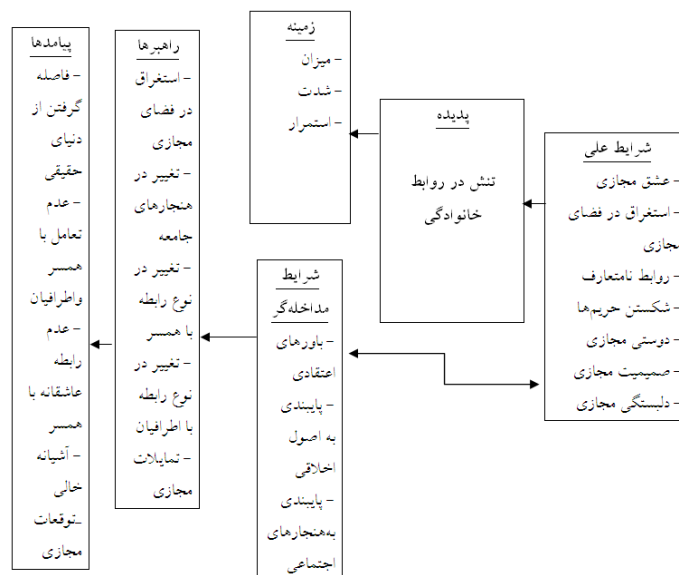
این روش به دست می‌آید. نظریه‌پردازی بنیانی را در معنای نخست می‌توان به روش استقرایی^۱ و اکتشافی^۲ تولید نظریه یا فرضیه معرفی نمود و در معنای دوم نظریه‌بنیادی به نظریه‌ای گفته می‌شود که برآمده از داده‌ها باشد (لیزا^۳، ۲۰۰۸: ۳۷۴). نظریه بنیانی، روشی کلان از تحلیل مقایسه‌ای به شمار می‌آید که برای به بار نشستن تئوری، چهار معیار اصلی را در نظر می‌گیرد: انطباق^۴، قابل فهم^۵، تعمیم^۶ و کنترل^۷ (مطلق و سروش، ۱۳۹۰: ۳۶۸). نظریه بنیانی از طریق مقایسه سطوح تحلیل، داده‌ها را با یک نوع فعل و انفعال خاصی مطالعه می‌کند. به این صورت که ابتدا داده‌ها را با کدها مقایسه می‌کند، بعد معنی‌داری کدها را به مقولات موقتی افزایش می‌دهد؛ در مرحله بعد داده‌ها و کدها را با این مقولات موقتی مقایسه می‌کند، سپس مقولات را مانند یک مفهوم در نظر می‌گیرد، در مرحله آخر مفاهیم را با مفاهیم مقایسه می‌کند، به گونه‌ای که ممکن است شامل مفاهیم مرتب و منظم شود (دنزین^۸ و لینکلین^۹، لینکلین^۹، ۲۰۱۱: ۳۶۱). روش نمونه‌گیری در نظریه بنیانی با توجه به نوع کدگذاری طراحی می‌شود. نمونه‌گیری باز را می‌توان به صورت هدفمند یا به صورت تصادفی به انجام رساند. نمونه‌گیری گزینشی در کدگذاری انتخابی صورت می‌گیرد. هدف از آن این است که فرصت تأیید و تصویب رشته حکایات (داستان اصلی) و ارتباط بین مقولات را به حداکثر برسانیم و خلأ موجود را در مقولات ضعیف و نارسا پر کنیم. نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه می‌یابد (مطلق و سروش، ۱۳۹۰: ۳۷۹). در این روش پژوهشگر باید دلایل کافی برای مصاحبه‌های دیگر داشته باشد و تشخیص بین یک دلیل هدفمند و یک دلیل در دسترس اهمیت دارد، چون در روش در دسترس ممکن است به داده‌های غنی‌تر دست نیابیم (ین^{۱۰}، ۲۰۱۱: ۸۹). اشباع عبارت است از این که با ادامه جمع‌آوری داده‌ها، داده‌های جمع‌آوری شده تکرار داده‌های قبلی باشد، و اطلاعات جدیدی حاصل نگردد (ابوالعالی، ۱۳۹۱: ۱۲۳). بر این اساس در پژوهش حاضر هدف از نمونه‌گیری کسب اطلاع از وضعیت زناشویی زوجینی است که حداقل ۲ سال از عضویت و استفاده‌ی آنها از شبکه اجتماعی تلگرام گذشته و به نظر می‌رسد که به جهت این موضوع دچار آسیب‌های عاطفی در زندگی زناشویی و روابط فیما بین شده‌اند. برای نمونه‌گیری در این پژوهش، ابتدا در فضای تلگرام پیامی برای ۲۵۰ نفر از کاربران این شبکه – که همگی متاهل بودند – پیامی با این مضمون ارسال شد: *به نظر شما عضویت و استفاده‌ی زوجین از شبکه اجتماعی تلگرام می‌تواند منجر به بروز مشکل در روابط ایشان شود؟ و در ادامه از پاسخگویان خواسته شد که در صورت شناختن چنین زوجینی پس از کسب اجازه از خود این افراد، مبادرت به معرفی آنها نمایند. از مجموع ۲۵۰ پیام ارسال شده، ۱۹۰ نفر به*

- 1 Inductive
- 2 Exploratory
- 3 Liza
- 4 Fit
- 5 Understanding
- 6 Generality
- 7 Control
- 8 Denzin
- 9 Lincoln
- 10 Yin

سوال مربوطه پاسخ دادند که در میان پاسخ‌ها ۵۳ زوج معرفی شدند که به نظر می‌رسید به جهت حضور و استفاده از شبکه اجتماعی تلگرام، دچار مشکل در روابط زناشویی خویش شده‌اند. در ادامه و پس از بررسی‌های اولیه و تماس تلفنی مشخص شد که از میان ۵۳ زوج، ۳۰ زوج به دلیل مربوطه - حضور و استفاده از شبکه اجتماعی تلگرام - دچار مشکلات زناشویی شده و مابقی بنا بر دلایل دیگری از مشکلات زناشویی رنج می‌برند. بنابراین مراحل مقدماتی پژوهش با ۳۰ زوج انتخاب شده آغاز شد. برای انجام بخش میدانی این پژوهش، مطالعات میدانی از رویکرد زوجینی که به نظر می‌رسید به جهت عضویت و حضور در شبکه‌ی اجتماعی تلگرام دچار طلاق عاطفی شده‌اند آغاز گردید که در طی آن نگارنده مشاهدات و مصاحبه‌های آغازین را انجام داد. در این مدت برای افزایش حساسیت نظریه‌ای خود تلاش شد تا از هر فرصتی برای آشنایی با موضوع پژوهش خویش مانند حضور در منزل زوجین مورد نظر، قرار ملاقات با ایشان در مکان‌های عمومی مانند پارک و کافی‌شاپ و ترتیب دادن فضای دوستانه و بدون تنش، استفاده شود. برای افزایش اعتبار و پایایی، تحلیل نتایج حاصل از مصاحبه‌ها و مراحل کدگذاری در اختیار اساتید، کارشناسان و پژوهشگران حوزه خانواده و رسانه قرار داده شد و پس از تایید مراحل انجام شده توسط آنان، نتایج پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

یافته‌ها

پس از انجام مصاحبه با ۲۵ نفر از زوجینی که در محدوده سنی ۳۵ تا ۵۰ سال قرار داشته، حدود ۲ سال از عضویت ایشان می‌گذرد و همگی ساکن تهران هستند، پژوهش مورد نظر به مرحله اشباع نظری رسید. به این معنا که در مصاحبه‌های بعدی اطلاعات جدیدی به دستاوردهای قبلی اضافه نشد. بنابراین داده‌های خام تبدیل به مفاهیم شده و مفاهیم بدست‌آمده طی مراحل بعدی تبدیل به خرده مقولات و نهایتاً مقولات شدند. مقولات متعددی بدست آمد که از میان آنها مقوله هسته‌ای در مرحله کدگذاری انتخابی کشف شد و برای مقوله مورد نظر که عبارت بود از: پدیده‌ای به نام تنش در روابط خانوادگی، مدل پارادایمی رسم شد. سپس هر کدام از بخش‌های مدل پارادایمی که شامل (شرایط علی، زمینه، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها) می‌باشد، به طور مبسوط مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نظریه بدست‌آمده از این پژوهش عبارتست از اینکه: عضویت و استفاده زوجین از شبکه اجتماعی تلگرام می‌تواند منجر به تنش در روابط خانوادگی ایشان گردد.



مدل پارادایمی مربوط به پدیده (تنش در روابط خانوادگی)

شرایط علی مربوط به پدیده (تنش در روابط خانوادگی)

همانگونه که در مدل پارادایمی می‌توان مشاهده کرد، شرایط علی مربوط به این پدیده عبارتند از: عشق مجازی، استغراق در فضای مجازی، روابط نامتعارف، شکستن حریم‌ها، دوستی مجازی، صمیمیت مجازی و دل‌بستگی مجازی.

یکی از ویژگی‌های فضای مجازی (تلگرام) ارتباط مستمر افراد - اعم از زن و مرد - با یکدیگر می‌باشد. این ارتباطات بنابر دلایل مختلفی از جمله ارتباطات فامیلی، همکاری، دوستی و ... می‌تواند شکل گرفته و استمرار داشته باشد. از طرف دیگر شکل این روابط - بنابر ماهیت فضای مجازی که با فضای حقیقی متفاوت است - فرق دارد. در این فضا گویی به شکل ناخواسته‌ای حصارها و حد و مرزهای میان دو جنس که شامل زن و مرد می‌باشند، برداشته شده و در اکثر موارد، به طور ناخودآگاه روابط شکل راحت تر و خودمانی تری به خود می‌گیرد. گویی کنشگران از قالب روابط رسمی و هنجاری تعریف شده در فرهنگ و جامعه‌ی خویش خارج شده و روابط را به شکل دیگری طراحی می‌کنند. در چنین وضعیتی افراد - زن و مرد - اعتماد و صمیمیت بیشتری نسبت به یکدیگر احساس می‌کنند. این حس صمیمیت و اعتماد که در واقع به نوعی صمیمیت و اعتماد مجازی به شمار می‌آید، کنشگر را از مرز ارتباط متعارف - ارتباط تعریف شده متناسب با عرف و فرهنگ جامعه - با مخاطب خویش خارج کرده، درگیر روابط نامتعارف خواهد کرد. در این نوع از رابطه فرد احساس نزدیکی و تمایل بیشتری نسبت به جنس مخالف

خود داشته به طوریکه علاقه و اشتیاق وافری را نسبت به وی در خود احساس می‌کند. در این حالت، رابطه‌ای عاشقانه بین آنها شکل می‌گیرد. اما به این دلیل که این رابطه‌ی عاشقانه خارج از چهارچوب‌ها و معیارهای روابط عاشقانه در دنیای حقیقی است، شکل مجازی به خود گرفته و فرد را درگیر رویدادی با نام عشق مجازی خواهد کرد که منجر به تنش در روابط خانوادگی خواهد شد.

همانگونه که شرح آن رفت یکی از علل ظهور پدیده (تنش در روابط خانوادگی)، شکستن حریم‌ها میان دو جنس زن و مرد، در شبکه اجتماعی تلگرام می‌باشد. یکی از دلایلی که کاربران این فضا از حدود و حریم متعارف و هنجارهای تعریف شده‌ی اجتماعی خارج می‌شوند، عدم آشنایی به مهارت‌های استفاده از این نوع رسانه و یا به عبارت دیگر سواد رسانه‌ای است. کنشگرانی که کاربران این فضا محسوب می‌شوند بنا بر دلایل ذکر شده، فضای تلگرام را متفاوت از فضای دنیای حقیقی یافته و ارتباطات خود با جنس مخالف را راحت‌تر و طبق تمایل خویش شکل می‌دهند. حتی افرادی که به ظاهر و در دنیای واقعی دارای شخصیتی موجه بوده و انسان‌های معتقدی محسوب می‌شوند، در روابط با جنس مخالف موفق به پاسداشت حریم‌های میان دو جنس نشده و همین رویداد این افراد و مخاطبان‌شان را دچار عشق مجازی می‌کند که خود زمینه ساز تنش در روابط خانوادگی خواهد شد.

یکی از دلایلی که منجر به تمایل در افراد جهت ادامه‌ی رابطه با یکدیگر می‌شود، شکل‌گیری روابط دوستانه و نزدیک میان آنها می‌باشد. افراد بشری به دلیل انسان بودن و بهره‌مندی از ویژگی‌های انسانی کشش و تمایل وافری به برقراری ارتباط با هم‌نوع خویش داشته و آن را برای خود سودمند می‌یابند. از این رو همواره در جستجوی انسان‌هایی از نوع خویش هستند که بیشترین قرابت و نزدیکی را با ایشان داشته باشند. از طرفی همانطور که میدانیم مشغله‌های زندگی روزمره و درگیری افراد در مسائل و روزمرگی‌های زندگی، انسان‌ها را از ارتباط با دوستان و اقوام خویش دور کرده است و از این رو منجر به نوعی خلا عاطفی در افراد گردیده است. در این اثنا بروز تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی مانند شبکه اجتماعی تلگرام در میان تمامی مشکلات و محدودیت‌های موجود در زندگی امروزه، فرصت مجددی را برای ارتباط با دوستان و آشنایان فراهم آورده است. همانطور که میدانیم یکی از مزایای این تکنولوژی ارزان بودن و در دسترس بودن برای همگان می‌باشد. همه‌ی افراد به راحتی می‌توانند تنها با داشتن یک گوشی هوشمند، اتصال به شبکه اینترنت و نصب برنامه تلگرام، با دوستان و آشنایان خویش در اقصی نقاط جهان ارتباط گرفته و دوستی فراموش شده را مجدداً احیا کنند. از سویی زنده کردن مجدد این ارتباط به دلیل ایجاد احساس خوشایند، در مواردی رو به افراط گذاشته و افراد را درگیر حضور دائمی در فضای تلگرام و به عبارتی استغراق در روابط و دوستی مجازی می‌کند. اما آنچه که باید بدان توجه داشت این است که این نوع از روابط دوستانه شکل حقیقی و واقعی نداشته و در واقع شکل مجازی به خود می‌گیرند زیرا نوع ارتباطات و تعامل دوستان در فضای حقیقی اتفاق نمی‌افتد.

استغراق در فضای مجازی، یکی دیگر از شرایط علی‌ای است که منجر به ظهور پدیده‌ی تنش در روابط خانوادگی می‌شود. افراد بنا بر دلایل مختلفی ممکن است غرق در فضای مجازی شده و از فضای حقیقی فاصله بگیرند. یکی از این دلایل عضویت در کانال‌های مختلف از جمله کانال‌های خبری (اخبار

زرد و یا اخبار معتبر) می‌باشد. یکی دیگر از این دلایل عضویت افراد در کانال‌ها و گروه‌هایی است که صرفاً جنبه‌ی سرگرمی داشته و کنشگران دلیل حضور خویش در این فضا را صرفاً جنبه‌ی سرگرمی اعلام می‌کنند. یکی دیگر از این دلایل عضویت در کانال‌های غیراخلاقی مانند کانال‌های پورنوگرافی است که به شدت مخاطبان خویش را تحت تاثیر قرار داده و آنها را تبدیل به مشتریان و استفاده‌کنندگان دائمی این فضا می‌کند. اما آنچه که طبق یافته‌های پژوهش حاضر شایان ذکر است، استغراق کاربران در شبکه‌ی اجتماعی تلگرام بنابر دلایل ذکر شده می‌باشد که در صورت عدم برقراری تعادل و توازن در استفاده از این کانال‌ها و گروه‌های مختلف، اعتیاد به فضای مجازی را به دنبال خواهد داشت که زمینه ساز تنش در روابط خانوادگی خواهد شد.

عشق مجازی یکی دیگر از شرایط علی‌ای است که منجر به بروز پدیده تنش در روابط خانوادگی می‌شود. زنان و مردان بنابر دلایل مختلفی مانند همکاری، همکلاسی بودن، داشتن تحصیلات مشترک، داشتن علائق مشترک و ... ممکن است در قالب گروه‌های تشکیل شده در شبکه اجتماعی تلگرام با یکدیگر ارتباط داشته باشند. در مواردی این ارتباطات ممکن است از روال طبیعی و متعارف خود خارج شده و شکل غیر متعارف و بیمارگونه‌ای به خود بگیرد. در این حالت میان زن و مرد رابطه‌ای عاطفی و احساسی شکل گرفته و آنها نوعی روابط عاشقانه را تجربه خواهند کرد. این نوع از رابطه‌ی عاشقانه به این جهت که از دنیای حقیقی فاصله داشته و در فضای غیر حقیقی و مجازی روی می‌دهد، ماهیتاً متفاوت از عشق حقیقی است و نام عشق مجازی را به خود می‌گیرد. کنشگری که چنین رابطه‌ای را تجربه می‌کند به دلیل عدم بهره‌مندی از واقعیت‌های حقیقی معشوق خویش، همه‌ی هستی خویش را در وجود وی می‌یابد و دائماً میل به ارتباط با معشوق وی را به سمت فضایی سوق می‌دهد که این ارتباط تحقق یابد. در چنین وضعیتی تنها فضایی که امکان ملاقات با معشوق را فراهم می‌آورد، فضای تلگرام می‌باشد. از این رو تمایل وافر به ملاقات و چت کردن با معشوق به طور پیوسته و دائمی فرد را در این فضا نگه می‌دارد که این حالت شخص را دچار وابستگی و اعتیاد دائمی به شبکه اجتماعی تلگرام می‌کند.

همانطور که می‌دانیم سبک زندگی هر فردی متشکل از مجموعه‌ی باورها، ارزشها، عادت‌ها و رفتارهای آموخته شده‌ای است که از ابتدای زندگی در وی نهادینه شده و به اجرا گذاشته می‌شود. از طرفی زمانی که زن و مردی یکدیگر را به همسری برمی‌گزینند، در واقع به غیر از ملاک‌های ظاهری و شخصیتی طرف مقابل، عادت‌ها و رفتارهای وی را نیز همانگونه که مشهود است تا حدود زیادی مورد پذیرش قرار می‌دهند. در این حالت ازدواجی که صورت می‌پذیرد به میزان زیادی موفقیت‌آمیز خواهد بود. اما با ورود متغیر دیگری همچون فضای مجازی - به طور ویژه شبکه اجتماعی تلگرام در پژوهش حاضر - به شکل خواسته یا ناخواسته‌ای روند طبیعی زندگی دچار اختلال می‌شود. در چنین وضعیتی اگر زن و شوهر موفق به مدیریت و سامان‌دهی متغیر تازه وارد (فضای مجازی) نشوند، زندگی از روال عادی خارج شده و زوجین تغییر و تحول نامطلوبی را در روابط فیما بین درک خواهند کرد. این تحولات از تغییرات بسیار کوچک شروع شده و به مشکلات عمیقی تبدیل خواهند شد که در این صورت رویدادی تحت عنوان آشیانه‌ی خالی بروز خواهد کرد که خود زمینه ساز تنش در روابط خانوادگی است. استغراق در فضای

مجازی (شبکه اجتماعی تلگرام) از دیگر شرایط علی‌ای است که پدیده‌ی تنش در روابط خانوادگی را به دنبال خواهد داشت. این نوع از اعتیاد به طور معمول زمانی اتفاق می‌افتد که هر یک از زوجین (زن یا مرد)، به عنوان کاربر تلگرام در استفاده از این فضا زیاده روی کرده و از حدود اعتدال و توازن خارج می‌شوند. این وضعیت زمانی اتفاق می‌افتد که کنشگر بنا بر دلایل مختلف و علاقه‌مندی‌های گوناگون خود، در کانال‌ها (مانند کانال‌های خبری، سرگرمی، غیراخلاقی و ...) و گروه‌های مختلف این شبکه (مانند گروه‌های دوستی، همکاری، همکلاسی، شعر و ادب، کتابخوانی، آشپزی و ...) عضویت داشته و به صورت افراطی از آنها استفاده می‌کند. این اتفاق تا جایی ادامه پیدا می‌کند که تمام ابعاد زندگی فرد - اعم از شخصی، خانوادگی، شغلی و ارتباطات اجتماعی - دچار اختلال شده و در صورت عدم استفاده و حضور در این فضا (شبکه اجتماعی تلگرام)، حالت افسردگی پیدا خواهد کرد. از طرف دیگر در اثر استفاده‌ی دائم و مستمر از این فضا، ارتباطات میان زوجین تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در چنین وضعیتی تعامل و ارتباط صمیمی و عاشقانه، به جهت کم توجهی و عدم صرف وقت کافی برای یکدیگر، کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر می‌شود. به عبارت دیگر رابطه‌ی میان زن و شوهر به پوچی می‌گراید و در این حالت است که پدیده‌ی آشیانه‌ی خالی به وقوع خواهد پیوست. همانطور که اشاره شد یکی از مصداق‌های اعتیاد به شبکه اجتماعی تلگرام، عضویت در کانال‌های غیراخلاقی از جمله کانال‌های پورنوگرافی (هرزه نگاری) است. طبق یافته‌های پژوهش حاضر، مردانی که مدت زمان زیادی از وقت خویش را صرف تماشای فیلم‌هایی می‌کنند که از این کانال‌ها پخش می‌شوند، پس از مدتی در برقراری ارتباط جنسی و زناشویی با همسر خود دچار مشکل خواهند شد. زیرا زنانی که هنرپیشه‌های اینگونه فیلم‌ها هستند، آموزش‌های مختلفی جهت ارضای نیازهای جنسی طرف مقابل دیده و متفاوت از دیگر زنان جامعه هستند. در واقع به نوعی ارتباط جنسی شغل و حرفه‌ی آنها محسوب شده بنابراین برای پیشرفت شغلی و حرفه‌ای خویش به هر روشی متوسل می‌شوند. اما زنان عادی و طبیعی جامعه فاصله‌ی زیادی با این شیوه‌ها و سبک‌های ارتباط جنسی دارند. از این رو وقتی مردان به طور پیوسته به تماشای این فیلم‌ها می‌پردازند، توقع و انتظاری خارج از عرف و قاعده از همسر خویش خواهند داشت. این کنشگران همسر را فرد ناتوانی می‌یابند که به هیچ وجه نمی‌تواند شوهر خود را به لحاظ جنسی ارضا کند. این رویداد روز به روز باعث تغییر رفتار و سردی شوهر نسبت به همسر شده و شکاف عمیقی میان زوجین ایجاد خواهد کرد. در چنین حالتی است که پدیده‌ی آشیانه‌ی خالی اتفاق خواهد افتاد.

یکی دیگر از شرایط علی‌ای که منجر به بروز و ظهور پدیده‌ی آشیانه‌ی خالی می‌شود، عشق مجازی است. کاربران شبکه‌های اجتماعی اعم از زن و مرد بنا بر دلایل مختلفی از جمله روابط همکاری، تحصیلی، علائق مشترک و ... ممکن است در این فضا و در گروه‌های مختلط - که شامل زنان و مردان می‌باشد - عضویت داشته باشند. به طور طبیعی حضور فرد در یک گروه تعامل و ارتباط مجازی با دیگر اعضای گروه را به دنبال خواهد داشت. از طرفی به جهت ویژگی‌های خاص فضای مجازی که متفاوت از فضای حقیقی است، روابط میان زن و مرد متفاوت از فضای واقعی است. در این فضا گویی حصارها و حد و مرزهای میان دو جنس برداشته شده و گفتگو و معاشرت به شکل راحت‌تر و خودمانی‌تری انجام می‌شود - در حالیکه به

طور معمول در فضای حقیقی ارتباطات رسمی‌تر و دارای چهارچوب‌های بیشتری است - از این رو در چنین شرایطی با احتمال بیشتری ارتباطات نامتعارف بین دو جنس شکل گرفته و حریم‌ها شکسته می‌شود. در چنین وضعیتی احتمال شکل‌گیری روابط عاشقانه میان زن و مرد (حتی اگر متاهل باشند)، وجود خواهد داشت. طبق یافته‌های پژوهش حاضر تعدادی از زنان و مردانی که در این گروه‌ها عضویت دارند، بنابر دلایلی که شرح آن رفت درگیر روابط عاشقانه با جنس مخالف می‌شوند. از آنجایی که جنس روابط عاشقانه نیز در فضای حقیقی متفاوت از فضای مجازی است ممکن است رنگ و بوی جذاب‌تری به خود بگیرد چرا که در فضای غیر حقیقی صرفاً زیبایی‌ها و جذابیت‌های معشوق دیده شده و واقعیت‌های وجودی وی از نظر دور خواهند ماند. زمانی که کنشگر متاهلی درگیر روابط عاشقانه (عشق مجازی) در فضای شبکه اجتماعی تلگرام می‌شود، اولاً ترجیح می‌دهد بیشتر وقت خود را با معشوق مجازی خویش بگذراند تا دیگران، زیرا احساس می‌کند که هیچ شخص دیگری به جز معشوق وی را درک نمی‌کند بنابراین انگیزه‌ی قوی‌تری برای ادامه‌ی این رابطه‌ی عاشقانه خواهد داشت، در ثانی به جهت پنهان بودن چهره‌ی حقیقی معشوق و معایب احتمالی، وی را بدون نقص یافته و کشش و تمایل وافر به او خواهد داشت. بنابراین طبق دلایل ذکر شده و یافته‌های پژوهش حاضر زمانی که فرد متاهل اعم از زن و مرد درگیر رابطه‌ی عاشقانه به شکل مجازی می‌شوند، به شدت تحت تاثیر معشوق مجازی خویش قرار گرفته و وی را بهتر، کامل‌تر و جذاب‌تر از همسر خود می‌یابند. زیرا همانطور که میدانیم ازدواج رسمی و زندگی کردن در زیر یک سقف پیچیدگی‌های خاص خود را داشته و به طور طبیعی به جهت وجود اختلاف سلیقه و تفاوت در زمینه‌های مختلف، به طور ناخواسته چالش‌ها و درگیری‌هایی را میان زن و شوهر بوجود خواهد آورد. از این رو وجود اختلافات هرچند جزئی میان زن و شوهر از یک طرف و وجود رابطه‌ی عاشقانه با معشوق مجازی - که چهره‌ی حقیقی وی ناشناخته مانده و فقط زیبایی‌هایش به تصویر کشیده می‌شوند - آرام آرام روابط همسری و زناشویی را به چالش کشیده، ایشان را از روال طبیعی زندگی خارج خواهد کرد. در این صورت فردی که تا چندی پیش علاقه‌ی وافر به همسر خود داشت اینک وی را بسان غریبه‌ای می‌انگارد که تنها نقش مزاحم را در زندگیش داراست. با حادث شدن چنین رویدادی پدیده‌ی آشیانه‌ی خالی با تمام وجود خودنمایی کرده و زن و شوهر هیچ احساس خوشایندی نسبت به یکدیگر نخواهند داشت. در این حالت روابط آنها به شدت دچار اختلال شده و گرمای عشق پیشینی که تا چندی پیش منجر به زیبایی و نشاط زندگیشان می‌شد به سردی خواهد گرایید.

زمینه‌ای که در آن راهبردهای مربوط به پدیده (تنش در روابط خانوادگی) بسط یافته‌اند

اتخاذ و توسعه‌ی راهبردهای مربوط به پدیده تنش در روابط خانوادگی به زمینه‌ای که پدیده در آن رخ داده است، دارد. طبق یافته‌های پژوهش حاضر که بر اساس مصاحبه وطی مراحل کدگذاری انجام گرفته است، میزان حضور و استفاده‌ی کنشگران در شبکه اجتماعی تلگرام و مقدار چت‌هایی که با مخاطب خویش - جنس مخالف اعم از زن و مرد - داشته‌اند، ارتباط مستقیمی با رابطه‌ی عاشقانه‌ی آنها در این فضا داشته است. یعنی هر چه میزان ارتباط با مخاطب در این فضا بیشتر بوده، نتیجتاً احتمال شکل‌گیری رابطه‌ی

عاشقانه بیشتر بوده است. از طرف دیگر هر چه استمرار و مداومت این کنشگران در ادامه‌ی رابطه با یکدیگر بیشتر بوده، شکل‌گیری رابطه‌ی صمیمانه و عاشقانه سریع‌تر بوده که نهایتاً منجر به پرویدادی با نام عشق مجازی شده است. هر چه میزان و شدت حضور کنشگران بنابر دلایل علی‌ای که شرح آنها رفت (مانند دوستی مجازی، استغراق در فضای مجازی، استغراق در روابط مجازی و عشق مجازی)، بیشتر بوده و با استمرار بیشتری همراه باشد، پدیده‌ی اعتیاد به فضای مجازی با شدت و حدت بیشتری اتفاق خواهد افتاد. به عنوان مثال افرادی که زمان زیادی را صرف گذران اوقات خویش با دوستان مجازی خود در قالب گفتگوهای تلگرامی می‌کنند و یا کاربرانی که در استفاده از کانال‌های خبری (اعم از اخبار زرد و یا معتبر)، زیاده روی کرده و دائماً این اخبار را پیگیری می‌کنند، به طور خواسته یا ناخواسته بیشتر اوقات خویش را در این فضا سپری می‌کنند. در این حالت کنشگری که چنین رویدادی را تجربه می‌کند بر حسب شرایط و موقعیت خویش راهبردهای خاصی را به کار می‌گیرد که در مبحث راهبردها به آن خواهیم پرداخت.

از طرف دیگر، هر چه میزان و شدت این پدیده در میان زوجین بیشتر باشد، احتمال اتخاذ راهبردهایی که آنها را به سمت جدایی چه در کوتاه مدت و چه در بلند مدت سوق می‌دهد، بیشتر خواهد بود. از طرف دیگر طولانی شدن و استمرار این پدیده شکاف ژرف‌تری در رابطه‌ی زوجین ایجاد کرده و رابطه‌ی همسری و زناشویی ایشان را بیشتر تهدید خواهد کرد. به عنوان مثال در شرایطی که یکی از زوجین بر اثر رابطه‌ی عاشقانه (عشق مجازی) حادث شده بر وی در فضای مجازی - شبکه اجتماعی تلگرام - دچار تغییر رفتار و بی‌تفاوتی نسبت به همسر شده باشد، در صورت عدم توجه او و یا همسر و اطرافیان به این رویداد و گذشت زمان بیشتر، به احتمال زیاد راهبردهای سرسختانه‌تر و غیر معمول‌تری را اتخاذ خواهد کرد در حالیکه رسیدگی و توجه زود هنگام و به موقع همسران نسبت به این رویداد مهم، به احتمال بیشتری راهبردهای ملایم‌تر و معقول‌تری را در پی خواهد داشت. از این رو بدون تردید بکارگیری راهبردهای مختلف - اعم از ملایم‌تر و یا سرسختانه‌تر - پیامدهای متفاوتی را در پی خواهد داشت. پیامدهایی که بسته به نوع آنها سرنوشت زندگی مشترک زن و شوهری را که رویدادی با نام *آشپانه‌ی خالی* را تجربه می‌کنند. بنابراین با توجه به مواردی که شرح آنها رفت، میزان و شدت هر یک از شرایط علی ذکر شده بر وقوع پدیده تنش در روابط خانوادگی تأثیرگذار خواهد بود.

شرایط مداخله‌گر موثر بر راهبردها

باورهای اعتقادی، پایبندی به اصول اخلاقی، پایبندی به هنجارهای اجتماعی، نوع رابطه با همسر و موقعیت اجتماعی، شرایط مداخله‌گری هستند که بر اتخاذ راهبردهای مبتنی بر پدیده تنش در روابط خانوادگی تأثیرگذارند. زمانی که فرد در فضای تلگرام با جنس مخالف - اعم از زن و مرد - مواجه می‌شود و بنابر دلایل مختلف از جمله رابطه‌ی همکاری، فامیلی و ... در مواجهه با مخاطب خویش قرار می‌گیرد، هرچه از باورهای اعتقادی استوارتری برخوردار باشد، به میزان کمتری احتمال درگیر شدن وی در رابطه‌ی صمیمانه و عاشقانه وجود خواهد داشت. زیرا همانطور که می‌دانیم بر طبق منابع اسلامی، ارتباط با جنس مخالف (نامحرم)، آداب و حدود شرعی خود را می‌طلبد. علی‌القاعده کنشگری که پایبندی به این اصول شرعی و

موازین اسلامی را داشته باشد، دیگر دچار انحراف از قواعد تعریف شده بواسطه‌ی شرع مقدس اسلام نخواهد شد. چنین فردی در شکل دهی روابط خود با جنس مخالف حتی در فضای مجازی - شبکه اجتماعی تلگرام - موازین شرعی را رعایت کرده و همیشه خداوند را حاضر و ناظر بر اعمال خویش می‌داند. نهایتاً با توجه به موارد ذکر شده، شکل‌گیری رابطه‌ی عاشقانه‌ی خارج از چهارچوب برای این فرد اتفاق نخواهد افتاد. اما اگر کاربران این فضا به باورها و موازین شرعی ذکر شده، اعتقادی نداشته و عمل نکنند، در نتیجه چهارچوب رفتاری خاصی در مواجهه با جنس مخالف نخواهند داشت. بنابراین درگیری این اشخاص در روابط صمیمانه و عاشقانه‌ی خارج از قاعده بیشتر خواهد بود. پابندی به هنجارهای اجتماعی و اصول اخلاقی نیز از دیگر شرایط مداخله‌گری هستند که بر راهبردها و استراتژی‌های اتخاذ شده در اثر پدیده‌ی عشق مجازی تأثیرگذار هستند. کنشگران مختلف، واکنش‌های متفاوتی در مواجهه با جنس مخالف، از خود بروز می‌دهند که نوع واکنش آنها تا حدودی متأثر از هنجارها و اصول اخلاقی تعریف شده در جامعه است. با توجه به توضیح ذکر شده، هر چه پابندی این افراد به هنجارهای اجتماعی و اصول اخلاقی بیشتر باشد به همان اندازه احتمال درگیری آنها در روابط نامتعارفی که ممکن است منجر به ظهور عشق مجازی شود، کمتر خواهد بود. اما هرچه پابندی کاربران کنشگر به هنجارهای پذیرفته شده‌ی اجتماعی کمتر باشد به همان میزان احتمال برخورداری از روابط نامتعارف در مواجهه ایشان با جنس مخالف - در فضای تلگرام - بیشتر بوده و نهایتاً بروز و ظهور روابط صمیمانه و عاشقانه در مورد آنها بیشتر خواهد بود. نوع رابطه با همسر نیز یکی دیگر از شرایط مداخله‌گری است که بر اتخاذ راهبردهای مربوط به این پدیده تأثیرگذار است. میزان صمیمیت و نوع رابطه‌ی عاطفی کنشگر با همسر خویش تا حدود زیادی می‌تواند تعریف‌کننده‌ی عمق رابطه‌ی وی با جنس مخالف در فضای تلگرام باشد. طبق یافته‌های پژوهش حاضر، هرچه میزان علاقه و پابندی، رابطه‌ی جنسی و عاطفی مناسب، میان کنشگر و همسرش بیشتر باشد، به همان میزان احتمال برقراری رابطه‌ی نامتعارف و شکل‌گیری رابطه‌ی صمیمانه و عاشقانه میان وی و مخاطب وی (جنس مخالف)، در فضای تلگرام کمتر خواهد بود. چرا که در چنین شرایطی فرد به لحاظ روحی و جسمی از جانب همسر خویش تأمین بوده و به احتمال زیاد دیگر نیازی به برقراری ارتباط عاشقانه با فرد دیگری نخواهد داشت. اما اگر کاربر این فضا به لحاظ روحی و عاطفی از جانب همسر خویش تأمین نباشد و در زندگی زناشویی‌اش دچار نقصان و کمبود باشد، در مواجهه و ارتباط با جنس مخالف در شبکه اجتماعی تلگرام - که ممکن است این ارتباط به جهات مختلفی شکل گرفته باشد (اعم از دوستی، همکاری، فامیلی و ...) - به احتمال بیشتری به سوی ارتباطات نامتعارف و روابط صمیمانه و عاشقانه سوق پیدا خواهد کرد. از سوی دیگر نوع رابطه کاربر با همسر و اطرافیان مانند خانواده و فرزندان تأثیر بسزایی در اتخاذ راهبردهای متأثر از پدیده تنش در روابط خانوادگی خواهد داشت. هر چه ارتباط با همسر صمیمانه‌تر و نزدیک‌تر بوده و از بنیه‌ی عاطفی بیشتری برخوردار باشد، سردی روابط کاربر تلگرام - که اعتیاد به فضای مجازی را تجربه می‌کند - با همسر و تغییر در سبک زندگی وی کمتر نمایان خواهد شد. به همین ترتیب اگر فرد مورد نظر دارای رابطه‌ی عاطفی قوی با فرزندان بوده و

احساس مسئولیت زیادی نسبت به آنان داشته باشد، در اتخاذ راهبرهای وی تأثیرگذار بوده و به بیراهه نخواهد رفت.

پایبندی به هنجارهای اجتماعی نیز از دیگر شرایط مداخله‌گری است که در اتخاذ راهبردهای ناشی از پدیده اعتیاد به فضای مجازی تأثیرگذار است. زیرا افرادی که هنجارهای اجتماعی را پذیرفته و برای اصول اخلاقی مورد قبول در جامعه احترام قائل باشند، هرگز در اتخاذ راهبرها گزینشی که منجر به عدول از این هنجارها شود را نخواهند داشت. به عنوان مثال کاربری که این پدیده - اعتیاد به فضای مجازی - را تجربه می‌کند در صورت عدم پایبندی به هنجارهای اجتماعی تعریف شده در محل کار و شغل خود، ممکن است راهبرد تغییر در رویه‌ی کاری خود و به عبارتی کم کاری و عدم کارایی را تجربه کند که این رویداد به نوبه‌ی خود پیامدهایی را در پی خواهد داشت که در میحث پیامدها شرح آن خواهد رفت.

از جمله شرایطی که در اتخاذ راهبردهای گوناگون ناشی از این پدیده دخیل هستند، میزان پایبندی به آموخته‌ها و اصول اخلاقی بواسطه‌ی زوجینی است که بنابر دلایل و شرایط علی ذکر شده در مبحث مربوطه، دچار پدیده‌ی تنش در روابط خانوادگی شده‌اند. طبق یافته‌های پژوهش حاضر، هر چه میزان اعتقادات زوجین عمیق‌تر بوده و با شدت بیشتری به اصول اعتقادی و اخلاقی پایبند باشند، کمتر به سمت راهبردهایی تمایل پیدا خواهند کرد که پیامدهای زیانبار و جبران ناپذیری را در پی خواهد داشت. زیرا همانطور که میدانیم طبق آموزه‌های دین مبین اسلام، عدم تعامل و عدم ارتباط زناشویی میان زوجین امری غیرمجاز محسوب شده و زن و شوهر به شدت از این امر نهی شده‌اند. از طرف دیگر مطابق حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، طلاق امری بسیار ناپسند به شمار آمده و مغبوض شمرده می‌شود. حال با توجه به مطالب ذکر شده هر چه این نوع آموخته‌ها که منبعث از منابع اسلامی می‌باشند، بیشتر در فرد نهادینه شده باشند، در نتیجه تمایل و کشش وی - در صورت بروز پدیده‌ی آشیانه‌ی خالی - به سمت تبعیت از این نوع باورها و اعتقادات بیشتر خواهد بود. در این حالت کمتر شاهد اتخاذ راهبردهای سرسختانه‌تر توسط این زوجین خواهیم بود. راهبرهایی که پیامدهایی همچون عدم رابطه‌ی عاطفی و زناشویی میان زن و شوهر را در پی خواهد داشت. از سوی دیگر اگر حضور چنین باورداشت‌هایی در اعتقادات و سبک زندگی زوجین کمرنگ بوده و یا اصلاً وجود نداشته باشد، به احتمال بیشتری راهبردهایی را اتخاذ خواهند کرد که منجر به پیامدهایی همچون عدم تعامل و ارتباط عاشقانه با همسر را در پی خواهد داشت.

پایبندی به اصول اخلاقی و هنجارهای اجتماعی نیز از دیگر شرایط مداخله‌گری هستند که بر اتخاذ راهبردها تأثیرگذارند. اگر چنانچه زوجین از جمله افرادی باشند که اصول اخلاقی را در روابط فیما بین به شکل صحیح و کارآمدی بنیان نهاده و تا حدود زیادی خود را موظف به رعایت این اصول کرده باشند - به عنوان مثال به هنگام بروز مشکل و اختلاف به جای مشاجره و قهر، راه حل گفتگو و حل مسئله را برگزینند - به احتمال کمتری در صورت بروز پدیده‌ی آشیانه‌ی خالی در زندگی مشترکشان، به سراغ اتخاذ راهبردهایی خواهند رفت که پیامدهای سرسختانه و جبران ناپذیری را در پی خواهد داشت.

راهبردهای مربوط به پدیده (تنش در روابط خانوادگی)

راهبردها و استراتژی‌های اتخاذ شده بواسطه‌ی بروز و ظهور پدیده تنش در روابط خانوادگی عبارتند از: استغراق در فضای مجازی (شبکه اجتماعی تلگرام)، فاصله از دنیای حقیقی، تغییر در نوع رابطه با همسر، تغییر در نوع رابطه با اطرافیان و تمایلات مجازی. وقتی که کنشگری رابطه‌ی عاشقانه‌ای را در فضای تلگرام تجربه می‌کند، به واسطه‌ی حسی که در اثر تعلق خاطر به معشوق خویش در وی پدیدار شده است، تمایل به استمرار و ادامه‌ی رابطه در او وجود خواهد داشت. در چنین حالتی فرد ترجیح می‌دهد بیشتر اوقات خویش را صرف گذران وقت خویش با معشوق مجازی خود کند، زیرا هیچ شخص دیگری را عزیزتر از وی نیافته و نزدیکترین احساس صمیمیت را نسبت به او دارد. بیشتر تعاملات، مکالمات و دردلد هایش - در قالب چت - با معشوق انجام می‌گیرد. وی را نسبت به هر شخص دیگری مقدم می‌داند تا جاییکه ممکن است در اولین فرصت پیش‌آمده در فواصل زمان کاری از طریق تلگرام به او مراجعه کرده و گفتگویی در قالب چت داشته باشد. در مواردی معشوق را تنها کسی می‌داند که او را به خوبی درک می‌کند، بنابراین هیچ فرد دیگری را به اندازه‌ی وی محرم نمی‌انگارد. با توجه به توضیحات ذکر شده، زمانی که شخص درگیر چنین رابطه‌ای می‌شود، بیشتر وقت خویش را در این فضا سپری می‌کند تا به خواسته‌های خویش دست یابد. این حالت وی را به شدت از دنیای حقیقی دور کرده و غرق در فضای مجازی و جهان غیر واقعی خواهد کرد. تغییر در نوع رابطه با همسر، فرزندان و اطرافیان، از دیگر راهبردها و استراتژی‌هایی هستند که توسط کنشگرانی که پدیده تنش در روابط خانوادگی را تجربه کرده‌اند، اتخاذ شده است. از آنجایی که این افراد تقریباً همه‌ی روابط و تعاملات خود را با معشوق مجازی خویش تنظیم می‌کنند - اعم از اوقات فراغت، روابط با همسر، روابط با فرزندان، روابط با اطرافیان و ... - و بیشترین ترجیحات زندگی خویش را برای وی در نظر می‌گیرند، به طور طبیعی روابط عادی و روزمره‌ای که سابقاً برنامه‌ی زندگی ایشان بوده است، دچار تغییر و تحول خواهد شد. چنین فردی دیگر همسر خویش را نزدیکترین شخص به خود نمی‌داند. دیگر از تعامل و معاشرت با همسر خویش لذت نمی‌برد. روابط عاشقانه با همسری که تا چندی پیش برایش عزیز و دوست داشتنی بود، دیگر معنا ندارد. همسر را بسان یک بیگانه می‌انگارد. گویا حرف مشترکی میان آنان وجود ندارد بجز مسائل مهم و اساسی زندگی مشترکشان که بخشی عمده‌ای از آنها مربوط به فرزندان است. روابط جنسی به حداقل ممکن می‌رسد. به طوری که همسر حضور بیگانه‌ای را در زندگی خویش به خوبی درک می‌کند. از سوی دیگر زمانی برای صرف وقت برای همسر باقی نمی‌ماند زیرا بیشتر وقت را به مخاطب مجازی خویش اختصاص داده است. از طرف دیگر رابطه‌ی عاشقانه‌ی جدید و گذران وقت بسیار با معشوق مجازی فرصتی برای معاشرت و همدلی با فرزندان نمی‌گذارد. حضور فرد جدید احساس بی رغبتی و عدم تمایل به فرزندان را افزایش می‌دهد. زیرا گذران وقت با آنان نوعی اتلاف وقت محسوب شده و صرف زمان با مخاطب مجازی بنا بر دلایل روانی به صرفه تر می‌نماید. به طور طبیعی پس از مدتی شکل و نوع رابطه با فرزندان دچار تغییر و تحول می‌شود. تغییر و تحول در شکل و نوع رابطه و تعاملات فرد، به تدریج وی را از دوستان و آشنایان نیز دور می‌کند. به طوریکه فرد کمترین تعامل را با ایشان خواهد داشت. حتی در مواردی قطع ارتباط با آنها را تجربه خواهد

کرد. از دیگر راهبردها و استراتژی‌های اتخاذ شده در اثر پدیده عشق مجازی، تمایلات مجازی است. کنشگری که غرق در شبکه اجتماعی تلگرام و درگیر رابطه‌ی عاشقانه بواسطه‌ی بستر فراهم شده در این فضا شده است، به میزان زیادی از تمایلات و سلائق خود در فضای حقیقی فاصله گرفته و به سمت تمایلات و سلائق مجازی حرکت خواهد کرد. به جهت حضور مستمر و دائمی در این فضا ناخودآگاه و به طور تدریجی، خواسته‌ها و علاقه‌مندیهای فرد تغییر کرده و به خاطر تفاوت موجود در جنس روابط با فضای حقیقی و دنیای پیرامونی فرد، تحولی در ابعاد متفاوت زندگی وی ایجاد خواهد شد. یکی از تغییرات ایجاد شده، تفاوت در تمایلات جنسی است. چنین فردی دیگر برای ارضای نیازهای جنسی خود از روش‌ها و شیوه‌های معمول در دنیای حقیقی استفاده نخواهد کرد. این موضوع نیز به نوبه‌ی خود در شکل و نوع روابط فرد با همسرش تأثیرگذار خواهد بود که قاعدتا پیامدهایی را نیز در پی خواهد داشت و به همین دلیل در بخش پیامدهای مربوط به این پدیده - عشق مجازی - به آن خواهیم پرداخت. به طور طبیعی وقتی کاربری به صورت افراطی اوقات خود را در فضای مجازی - شبکه اجتماعی تلگرام - سپری می‌کند، برای پاسخگویی به این نیاز دائمی خویش ناگزیر به راه‌هایی متوسل می‌شود. چرا که در صورت ادامه‌ی زندگی به روال سابق به خواسته‌های خود نخواهد رسید. سپری شدن مستمر اوقات فرد در فضای مجازی به هر دلیلی که باشد (ملاقات‌دوستان، پیگیری اخبار، تفریح و سرگرمی، استفاده از کانال‌های غیراخلاقی و ...) تغییراتی را نسبت به گذشته ایجاد خواهد کرد. چنین فردی دیگر زمان کافی برای گذراندن اوقات خود با همسر و فرزندان نخواهد داشت. زیرا گذران وقت با خانواده، وی را از علاقه‌مندی خویش که همان تلگرام است دور کرده و دیگر مجال برای حضور در این فضا نخواهد داشت. بنابراین بیشتر زمانی را که باید به خانواده اختصاص می‌داد - در مواردی به ناچار و ناخواسته - از آنها دریغ کرده و به فضای مجازی پناه می‌برد. همین اتفاق در مورد دوستان و اطرافیان نیز مصداق پیدا می‌کند. زیرا کنشگری که پدیده‌ی اعتیاد به فضای مجازی را تجربه می‌کند، تمام تلاش خود را در جهت رسیدن به محبوب خویش و گذران وقت با وی - که همان فضای مجازی است - معطوف می‌کند. در نتیجه دیگر فرصتی برای تعامل و معاشرت با دوستان و اطرافیان در فضای حقیقی و دنیای واقعی نخواهد داشت. از طرفی حضور مکرر و بیمارگونه‌ی کاربر در فضای غیرحقیقی که اغلب خارج از اراده‌ی خویش می‌باشد، وی را روز به روز از فعالیت شغلی و کار روزانه دور می‌کند. در چنین وضعیتی فرد مورد نظر در محل کار خود حضور دارد و ظاهراً مشغول انجام وظایف شغلی خود می‌باشد اما در واقع فکر و ذهن و در مواردی جسم وی درگیر حضور در فضای دیگری است. زیرا همانطور که از نام این پدیده (اعتیاد به فضای مجازی) مشخص است، فرد به شکل خواسته یا ناخواسته‌ای در اثنای کار، به سمت فضای مورد علاقه‌ی خود کشیده شده و دست از کار خواهد کشید که در این حالت تبعات چندی نیز متوجه وی و موقعیت شغلی او خواهد شد که در مبحث پیامدها به آن اشاره خواهیم کرد. به طور کلی با توجه به توضیحاتی که ارائه شد، فردی که دچار اعتیاد به فضای مجازی می‌شود به شکل خواسته یا ناخواسته‌ای، در عادت‌ها و روال عادی و همیشگی زندگی خود تغییر و تحول ایجاد می‌کند. این تغییرات به ظاهر ساده و پیش پا افتاده، فرد را به طور تدریجی در جریان یک تحول دائمی و مستمر قرار می‌دهد. به مرور زمان عادت‌ها و رفتارهای فرد تغییر کرده، روش جدید و متفاوتی از

زندگی را برای هماهنگ شدن در جهت نیل به هدف خویش (سپری کردن اوقات خود در فضای مجازی) تجربه می‌کند. این تغییرات می‌تواند طیف وسیعی از تحولات را که شامل جزئی‌ترین عادات‌های زندگی مانند عادات غذا خوردن، خوابیدن و ... می‌باشد تا ژرف‌ترین و مهم‌ترین عاداتها و رفتارهای فرد مانند نوع رابطه با همسر، فرزندان، اطرافیان و ... را در بر گیرد. همانگونه که در مبحث مربوط به شرایط علی ایجاد پدیده‌ی مذکور شرح آن رفت، زن و شوهر بنا بر دلایل متفاوتی از جمله عشق مجازی، آشیانه‌ی خالی، شکستن حریم‌ها، روابط نامتعارف و اعتیاد به فضای مجازی ممکن است این وضعیت را تجربه کنند. در چنین وضعیتی متناسب با شرایط دخیل در اتخاذ راهبردها، زوجینی که به لحاظ باورهای اعتقادی، پایبندی به اصول اخلاقی و هنجارهای اجتماعی با یکدیگر متفاوت هستند، علی‌القاعده راهبردهای متفاوتی را نیز اتخاذ خواهند کرد. حال با توجه به مطالب ذکر شده با وضوح بیشتری می‌توان به تشریح هر یک از راهبردها پرداخت. به عنوان مثال زمانی که کاربر فضای مجازی - شبکه اجتماعی تلگرام در پژوهش حاضر - به عنوان یک کنشگر اجتماعی، دچار عشق مجازی شده که در پی آن شاهد بروز و ظهور پدیده‌ی تنش در روابط خانوادگی خواهیم بود، با توجه به شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر موثر بر انتخاب و بکارگیری راهبردها، رفتارهای متفاوتی از جمله عدم ارتباط، عدم تعامل و بی‌توجهی نسبت به همسر را برخواهد گزید. طبق یافته‌های پژوهش حاضر، در چنین وضعیتی فرد کاربر نسبت به همسر خود بی‌توجه می‌شود گویی حضور و یا عدم حضور همسر برای وی یکسان بوده و در مواردی همسر را مزاحم زندگی خویش می‌یابد. در این مرحله ارتباطات فرد با همسر خویش به حداقل رسیده و تعاملات آنها صرفاً در مورد مسائل ضروری زندگی از جمله مسائل مربوط به فرزندان خواهد بود. در این حالت اگر چه زوجین به ظاهر زیر یک سقف و به لحاظ فیزیکی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند اما در واقع به لحاظ روحی و عاطفی فرسنگ‌ها با یکدیگر فاصله دارند. اما همانگونه که میدانیم عدم رابطه‌ی عاطفی و صمیمانه در میان همسران ایشان را دچار بیماری‌های جسمی و روحی متعددی خواهد کرد که بوجود آمدن این بیماری‌ها به نوبه‌ی خود پیامدهای زیانبار و جبران‌ناپذیری را به بار خواهد آورد. از سوی دیگر زمانی که پدیده‌ی تنش در روابط خانوادگی در محیط خانه و میان زوجین روی می‌دهد، این نابسامانی و عدم حضور روابط عاطفی سالم میان زن و شوهر، خواسته یا ناخواسته به فرزندان نیز تسری می‌یابد. فرزندان در چنین خانواده‌ای به شدت احساس ناامنی کرده و از حالت تعادل روحی و روانی خارج خواهند شد. وقتی که زوجین رابطه‌ی سالم و عاشقانه‌ای با یکدیگر نداشته باشند، بالطبع با فرزندان خویش نیز که ثمره‌ی عشق ایشان به یکدیگر بوده‌اند، روابط سالم و معقولی نخواهند داشت. در مواردی عدم توجه کافی به فرزندان و در مواردی دیگر توجه بیش از اندازه و غیرمعقول، ایشان را از مسیر صحیح تربیتی که جز در سایه‌ی رشد و پرورش در خانه و خانواده‌ی سالم محقق می‌شود، دور خواهد کرد. شایان ذکر است که خروج از روابط معقول و متعادل با فرزندان در چنین خانواده‌هایی به دو دلیل اتفاق می‌افتد. اول اینکه زوجین در روابط فیما بین دچار خلا عاطفی شدید هستند. بنابراین نیازهای عاطفی و احساسی آنها از جانب یکدیگر پاسخ داده نمی‌شود. در این وضعیت یکی از راه‌هایی که می‌تواند تا حدودی پاسخگوی نیازهای عاطفی و روانی زن و شوهر باشد، توجه بیش از اندازه به فرزندان و جایگزین کردن مهر و محبت آنان به جای همسر

می‌باشد. دلیل دوم این است که زوجین به جهت اختلافات و دلخوری‌های پیش‌آمده، در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند. این مقابله ناخودآگاه فرزندان را نیز درگیر روابط ناسالم می‌کند. زیرا زن و شوهر هر کدام برای توجیه و موجه نشان دادن رفتار خویش و تنها نماندن در عرصه‌ی مشاجرات و درگیری‌ها فرزندان را به سمت خویش جذب می‌کنند و در مواردی با وعده و وعیده‌های مکرر ایشان را با خود همسو می‌سازند که این عمل به نوبه‌ی خود فرزندان را دچار مشکلات عاطفی، اخلاقی و تربیتی بسیاری می‌کند که تبعات و پیامدهای گاه جبران‌ناپذیری را برایشان در پی خواهد داشت.

پیامدهای راهبردها

راهبردهایی که در این رویکرد اتخاذ می‌شوند، به طور طبیعی پیامدهایی را نیز در پی خواهند داشت که عبارتند از: فاصله گرفتن از دنیای حقیقی، عدم تعامل و رابطه‌ی عاشقانه با همسر، عدم تعامل و رابطه عاطفی با فرزندان، عدم ارتباط با دوستان و آشنایان، آشیانه‌ی خالی و توقعات مجازی. یکی از پیامدهایی که در اثر راهبردهای اتخاذ شده بواسطه‌ی بروز پدیده عشق مجازی ظاهر شده است، فاصله گرفتن از دنیای حقیقی است. کنشگری که غرق در فضای مجازی - شبکه اجتماعی تلگرام - می‌باشد، به طور دائمی و مستمر در این فضا حضور دارد. زیرا همانگونه که شرح آن رفت هیچ شخصی را صمیمی‌تر و مطلوب‌تر از مخاطب خویش نمی‌یابد. در چنین حالتی فرد بیشتر زمان خود را از طریق چت که روشی برای تعامل با معشوق مجازی است، سپری می‌کند. در نتیجه تعاملات و ارتباطات و حضور وی در فضای حقیقی، جامعه‌ی پیرامونی و محیط اطرافش کمتر و کمتر می‌شود. این جدایی‌ها از محیط واقعی، روز به روز وی را از دنیای حقیقی دورتر و دورتر می‌کند تا اینکه فاصله و شکافی عمیق میان دنیای او (مجازی) و زندگی واقعی اتفاق می‌افتد. عدم تعامل و رابطه‌ی عاشقانه با همسر، یکی دیگر از پیامدهایی است که نتیجه‌ی بکارگیری راهبردهای ذکر شده است. همانطور که گفته شد کنشگر عاشق، همه‌ی وجود خویش را در محبوب مجازی خویش می‌یابد. به واسطه‌ی بروز این احساس، گذراندن بیش از اندازه‌ی وقت خود با مخاطبش و تغییر میزان و نوع رابطه‌ی وی با همسرش، به طور طبیعی و ناخودآگاه، از همسر فاصله می‌گیرد. تعاملاتش را به حداقل می‌رساند. تنها در مورد مسائلی با وی صحبت می‌کند که ضروری به نظر می‌رسند. به عنوان مثال مسائل مربوط به فرزندان و مواردی از این قبیل. رابطه‌ی جنسی با همسر به حداقل می‌رسد و در مواردی اصلاً وجود ندارد. به طور خلاصه زن یا شوهری که تا دیروز مرکز توجه همسر و محبوب وی بود، گویی به غریبه‌ای با فرسنگ‌ها فاصله تبدیل می‌شود. غریبه‌ای که گاه حضورش آزاردهنده و تلخ جلوه می‌کند. تا جایی که کاربر عاشق سعی در فاصله‌گیری و دوری هرچه بیشتر از همسر خویش می‌کند. عدم تعامل و رابطه‌ی عاطفی با فرزندان، دوستان و آشنایان از دیگر پیامدهای مربوط به راهبردهای بکارگرفته شده در اثر این پدیده - عشق مجازی - می‌باشند. در نتیجه‌ی استغراق در شبکه اجتماعی تلگرام، فاصله‌گیری از دنیای حقیقی و مطلوب یافتن ارتباط و معاشرت با معشوق مجازی، دیگر فرصت و تمایلی برای تعامل و محبت به فرزندان برای چنین فردی باقی نمی‌ماند. زمانی که چنین شخصی پس از ساعات طولانی کار به منزل باز می‌گردد و زمان باقیمانده‌ی خود را با مخاطب خویش در

قالب چت می‌گذرانند، دیگر فرصتی برای برقراری رابطه‌ی عاطفی و توجه به فرزندان خویش نخواهد داشت. در این وضعیت و با توجه به توضیحات مطرح شده نوع رابطه‌ی وی با فرزندان تغییر کرده، فرزندان دیگر مهر و محبتی را از جانب پدر یا مادر دریافت نخواهند کرد. همین اتفاق در مورد ارتباطات و تعاملات فرد با دوستان و آشنایان خود نیز روی می‌دهد. زیرا سپری کردن وقت بسیار و مطلوب یافتن حضور در این فضا که محملی برای دیدار معشوق هرچند در قالبی غیر واقعی رخ می‌دهد، دیگر تمایلی برای گذران وقت با غیر که ممکن است شامل افراد مختلف از جمله همسر، فرزندان، دوستان و آشنایان باشد، نمی‌گذارد. این عدم تمایل به ارتباط با دوست، آشنا و ... نوع ارتباط با ایشان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در این صورت چنین کنشگری افراد ذکر شده را از گردونه‌ی تعاملات خویش خارج خواهد کرد. توقعات مجازی از دیگر پیامدهای ظاهر شده بواسطه‌ی راهبردهایی همچون تمایلات مجازی است. همانگونه که شرح آن رفت کنشگری که پدیده‌ی عشق مجازی را تجربه می‌کند به جهت فاصله و جدایی از واقعیت‌ها و حقایق موجود در دنیای واقعی، دارای تمایلات و خواسته‌های مجازی می‌شود. در پی بکارگیری، ظهور و بروز چنین راهبردی، پیامدی همچون توقعات مجازی به سراغ کنشگر عاشق خواهد آمد. به عنوان مثال در شرایط زندگی واقعی و روابط عاشقانه با همسر، عوامل و حواشی بسیاری از جمله حضور فرزندان، اطرافیان و ... در نوع، شکل و عمق رابطه تاثیر گذار خواهد بود. اما در شرایط غیر واقعی و مجازی به طور قطع و یقین عوامل و حواشی ذکر شده، حضور نداشته و به احتمال زیاد با آرامش خاطر بیشتری ارتباطات و تعاملات عاشقانه شکل خواهد گرفت. طبق یافته‌های پژوهش حاضر، کنشگری که پدیده‌ی عشق مجازی را تجربه می‌کند به دلیل عدم توانایی در تشخیص تفاوت‌ها، موانع و محدودیت‌های موجود در فضای حقیقی و مجازی، دچار توقعات غیرواقعی و مجازی شده، در نتیجه درخواست‌هایی خارج از توان و اختیار همسرش خواهد داشت.

آشنانه‌ی خالی زمانی اتفاق می‌افتد که زن و شوهر در حالیکه کنار یکدیگر و زیر یک سقف زندگی می‌کنند، هیچ نوع رابطه‌ی عاطفی و عاشقانه‌ای با یکدیگر نداشته و از حضور هم احساس خرسندی و رضایت نمی‌کنند. در چنین وضعیتی روابط جنسی به حداقل ممکن می‌رسد. تعاملات و معاشرت‌ها با یکدیگر در حد لزوم انجام می‌گیرد. صحبت‌های زن و شوهر حول مسائل مهم زندگی می‌چرخد. بیشتر مکالمات در مورد فرزندان و موضوعات پیرامون آنها شکل می‌گیرد. به واقع در چنین شرایطی زن و شوهر تمایلی به ارتباط با یکدیگر نخواهند داشت. هر یک از آنها مرتباً تلاش می‌کنند تا از دایره‌ی نگاه دیگری دور بوده و توجه آنها به هر مشغله دیگری غیر از همسر معطوف خواهد بود. حالتی که تحت عنوان *آشنانه‌ی خالی* شرح آن رفت، از پیامدهای منبث شده از بکارگیری راهبردهایی است که در اثر پدیده عشق مجازی اتخاذ شده‌اند. همانطور که توضیح داده شد، کنشگری که این پدیده را تجربه می‌کند، در نوع و نحوه‌ی روابط خویش با همسر، فرزندان، دوستان و آشنایان، ایجاد تغییر کرده و به عبارتی تغییر در سبک زندگی را تجربه خواهد کرد. چنین فردی به صورت بطئی و تدریجی نسبت به همسر و فرزندان خویش سرد و بی‌تفاوت می‌شود و دیگر از همزیستی و معاشرت با آنان لذت کافی و وافی نخواهد برد. از طرف دیگر خانواده‌ی او نیز احساس رضایت و خرسندی نسبت به او نخواهند داشت. جمع این تحولات

ارتباطات زناشویی و خانوادگی وی را تحت تأثیر قرار داده و از حالت عادی خارج خواهد کرد. در نتیجه چیزی جز بروز و ظهور پدیده‌ی جدیدی با نام *آشیانه‌ی خالی* نصیب وی و همسرش نخواهد شد. اختلال در روابط از دیگر پیامدهایی است که در اثر اتخاذ راهبردهای ناشی از پدیده *اعتیاد به فضای مجازی* بروز می‌کند. طبق یافته‌های پژوهش حاضر افرادی که به شکل افراطی و بنابر علائق خویش در کانال‌ها و گروه‌های مختلف شبکه اجتماعی تلگرام عضویت داشته و حضور دائمی در این فضا دارند، از نقص در ارتباط سالم با افراد پیرامون برخوردار می‌باشند. این اختلال در ارتباط ممکن است از دلایل متفاوتی مانند عدم تمرکز در هنگام تعامل، عدم توجه به مخاطب در هنگام معاشرت، اختلال در تکلم به جهت مشغول بودن ذهن و ... نشأت گرفته باشد.

زمانی که زن و شوهری در روابط عاطفی و صمیمانه خویش دچار مشکل شده و نسبت به یکدیگر بی‌توجه می‌شوند، رفته رفته به سمت و سویی سوق پیدا می‌کنند که گویی دیگر هیچ احساس عاشقانه و روابط صمیمی و زناشویی میان آنها وجود ندارد. زوجینی که تا چندی پیش روابط عاشقانه و صمیمانه‌ای با یکدیگر داشتند، اکنون به دشمنانی مبدل گشته‌اند که نه تنها هیچ احساس محبت‌آمیزی نسبت به یکدیگر ندارند، بلکه حس سردی و بی‌تفاوتی بر تمام زندگی ایشان سایه افکنده است. هر دوی آنها شرایطی را تجربه می‌کنند که گویی یکدیگر را به سختی تحمل می‌کنند. حضور یکی از همسران در خانه موجبات رنجش و عدم آرامش دیگری را به دنبال دارد. بر همین اساس و به دلیل وجود خلا عاطفی ناشی از عدم تعامل و ارتباط سالم با یکدیگر، به شدت دچار ناامنی عاطفی شده و از اضطراب‌ها و دلواپسی‌های دائمی رنج می‌برند. بنابر موارد ذکر شده گاهی تصمیم می‌گیرند که راه خود را از دیگری جدا کرده و مسیری متفاوت از همسر خویش برگزینند. در پی این تصمیم به راه حل‌های متفاوتی دست می‌یابند. در مواردی به زندگی مشترک با شرایط موجود و به صورت ظاهری ادامه داده و هر یک خود را با علاقه‌مندی‌های خویش سرگرم کرده و به این طریق وضعیت موجود را تا حدودی قابل تحمل می‌کنند. در مواردی دیگر تحت هیچ شرایطی قادر به تحمل و ادامه‌ی وضعیت موجود نبوده و تصمیم به جدایی می‌گیرند. اما نکته‌ی قابل توجه در وضعیت دوم این است که در اکثر موارد هیچ یک از زوجین پیشنهاد جدایی را مطرح نکرده و در انتظار ارائه‌ی پیشنهاد از سوی همسر می‌باشند که در مواردی همین اتفاق منجر به این موضوع می‌شود که زندگی ایشان تا مدت‌ها به حالت تعلیق و در حاله‌ای از ابهام باقی می‌ماند که این وضعیت ناامنی عاطفی و اضطراب دائمی را در ایشان افزایش می‌دهد. از دیگر پیامدها و تبعات ذکر شده در اثر اتخاذ راهبردهایی که در مبحث مربوطه شرح آن رفت، بروز مشکلات عاطفی و رفتاری در فرزندان است که والدین آنها دچار پدیده‌ی *تنش در روابط خانوادگی* شده‌اند. در شرایطی که زن و شوهر با وجود مشکلات و اختلافات فراوان و حل نشده تصمیم به ادامه‌ی زندگی مشترک – که می‌تواند بنابر دلایل متفاوتی از جمله حضور فرزندان و باورهای اعتقادی و ... – می‌گیرند، تبعات این زندگی خالی از مهر و عطوفت به طرق مختلف گریبانگیر فرزندان نیز خواهد شد. این اتفاق با روش‌های مختلفی روی می‌دهد. در برخی شرایط فرزندان به خاطر خلا عاطفی موجود میان والدین خویش دچار افسردگی شده و از حوزه‌ی افراد سالم به جهت روحی و روانی خارج می‌شوند. در شرایط دیگر فرزندان قربانی رقابت‌ها و کشمکش‌های میان والدین

خود می‌شوند. زیرا هر کدام از زوجین به دلیل مشکلات و کمبودهای عاطفی ناشی از این پدیده - آشیانه‌ی خالی - تمایل به ارضای نیازهای روحی و روانی خویش با استفاده از فرزندان می‌کنند. در این راستا هر یک از ایشان ممکن است تلاش بیشتری در جهت جلب رضایت و توجه فرزندان کرده و خواسته یا ناخواسته آنها را وارد کشمکش‌ها و اختلافات فیما بین خود کند. نهایتاً این که این نوع رفتارها و برخوردهای زوجین با یکدیگر مشکلات رفتاری و عاطفی فراوانی را در فرزندان به وجود خواهد آورد.

بحث و استنباط نظری

همان‌طور که می‌دانیم رشد فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی همچنین گسترش این فناوری‌ها و ورود آنها به تمام فضاهای اجتماعی، سازمانی و خانوادگی، منجر به تغییراتی در تمام ابعاد زندگی بشری شده است. یکی از مهمترین تغییراتی که بر اثر این رویداد اتفاق افتاده است، ورود این فناوری‌ها به محدوده‌ی خانه و خانواده و تاثیر آن بر روابط خانوادگی بویژه زوجین است. تاثیراتی که گاه صدمات جبران‌ناپذیری بر روابط زوجین داشته است. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر عضویت در شبکه اجتماعی تلگرام بر روابط عاطفی زوجین با استفاده از روش نظری بنیانی انجام گرفته است. در این راستا ۲۵ زوج که در محدوده سنی ۳۵ تا ۵۰ سال بوده، همگی ساکن شهر تهران بودند و حدود ۲ سال از عضویت آنان در شبکه اجتماعی تلگرام می‌گذشت به عنوان مشارکت کننده حضور داشتند. نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش حاکی از این بود که حضور و استفاده‌ی مستمر زوجین از شبکه اجتماعی تلگرام، بدون آگاهی از مهارت‌های سواد رسانه‌ای منجر به تنش در روابط خانوادگی ایشان می‌شود.

پیشنهادات

۱. آموزش فرهنگ صحیح استفاده از فضای مجازی بویژه شبکه‌های اجتماعی از طریق رسانه ملی.
۲. آموزش سواد رسانه‌ای از طریق رسانه ملی.
۳. آموزش سواد رسانه‌ای از طریق شبکه‌های اجتماعی.
۴. برگزاری کارگاه‌هایی جهت بهبود روابط زوجین از طریق نهادهای ذیربط.
۵. برگزاری کارگاه‌هایی جهت آموزش سواد رسانه‌ای از طریق نهادهای ذیربط.

منابع

- ابوالعالی، خدیجه (۱۳۹۱). پژوهش کیفی از نظریه تا عمل. تهران: نشر علم.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۹۰). روش‌های کاربردی تحقیق: کاربرد نظریه بنیانی. تهران: انتشارات کیهان، چاپ اول.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۹). روش‌های کاربردی تحقیق، جلد اول. تهران: انتشارات کیهان، چاپ دوم.
- استراوس، انسلم و کوربین، جولیت (۱۳۸۷). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبانی رویه‌ها و شیوه‌ها. ترجمه: بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- استراوس، انسلم و کوربین، جولیت (۱۳۹۴). مبانی پژوهش‌های کیفی. ترجمه: ابراهیم افشار. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. چاپ چهارم.

- بی، ارل (۱۳۹۲). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد دوم. ترجمه: رضا فاضل. تهران: انتشارات سمت، چاپ نهم.
- بی، ارل (۱۳۹۰). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول. ترجمه: رضا فاضل. تهران: انتشارات سمت، چاپ هفتم.
- دواس، دی ای (۱۳۸۹). پیمایش در تحقیقات اجتماعی. ترجمه: هوشنگ نایی. تهران: نشر نی، چاپ سوم.
- دورفرد، محیاسادات (۱۳۹۱). رابطه طلاق عاطفی و اقدام به طلاق قانونی در میان زوجین مراجعه کننده به دادگاه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی.
- شعبانی، سعید (۱۳۹۳). بررسی میزان طلاق عاطفی و عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز.
- کیخایی، الهام (۱۳۹۱). تحلیل جامعه‌شناختی چالش‌های فرهنگی - اجتماعی شبکه‌های اجتماعی بر خانواده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.
- Denzin, Norman K. & Lincoln. Yvonna S. 2011, The SAGE Handbook of Qualitative Research. SAGE Publications, Inc.
- Lisa M. Given 2008, The Sage Encyclopedia of Qualitative Research Methods, SAGE Publication, Inc.
- Yin, Robert, K. 2011, Qualitative Research from Start to Finish. The Guilford Press.